



سال دهم • پاییز و زمستان ۱۴۰۳ • شماره ۲۱

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 1, No. 21, Autumn & Winter 2025

عوامل روان‌شناختی کاهش انگیزش معنوی بر اساس منابع اسلامی

* مهدی ساقیان

** محمدتقی تیبیک

*** سیدمهدی خطیب

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل روان‌شناختی کاهش انگیزش معنوی بر اساس منابع اسلامی صورت گرفت. رویکرد این پژوهش «کیفی» و مشتمل بر روش «نظریه داده‌بنیاد» بود. در جهت شناسایی این عوامل، متن قرآن کریم و منابع روایی با اعتبار الف مبنا قرار گرفت و داده‌ها با استفاده از کلیدواژگان مربوطه گردآوری شد؛ سپس در جهت تحلیل داده‌ها، فرایند کدگذاری آغاز شد. نتایج کدگذاری به شناسایی ۳۲ «مفهوم»، ۸ «مقوله فرعی» و ۳ «مقوله اصلی» منتج شد که ذیل بُعدی به نام عوامل کاهش انگیزش معنوی، قرار گرفتند. این یافته‌ها نشان داد که این عوامل را می‌توان در ۳ مقوله «عوامل درون‌فردی بنیادین»، «عوامل برون‌فردی» و «عوامل درون‌فردی میانجی» جای داد و روابط فرضی میان آنها را تبیین نمود. یافته‌های فوق را ۹ کارشناس بر اساس شاخص‌های مطابقت (CVI) و ضرورت (CVR)، دارای اعتبار بالا ارزیابی کردند. بر این اساس، برخی مفاهیم حذف، ولی تمامی مقوله‌ها، بدون تغییر باقی ماند و مورد تأیید کارشناسان قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: معنویت، انگیزش معنوی، عوامل روان‌شناختی، نظریه داده‌بنیاد، روان‌شناسی اسلامی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mah.saghian@gmail.com

** استادیار گروه روان‌شناسی اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

*** استادیار گروه روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

مقدمه

فرآیندهای انگیزشی به دلیل اهمیت محوری‌شان در ساختار وجود آدمی، همواره محل توجه ادیان الهی و علوم بشری مانند فلسفه، حقوق، روان‌شناسی و علوم تربیتی بوده‌اند (اسدی، ۱۳۸۰). بحث انگیزش در روان‌شناسی، همواره بر دو سؤال اساسی استوار است: یکی اینکه «چه چیزی موجب رفتار می‌شود؟» و دیگری اینکه «چرا شدت رفتار تغییر می‌کند؟». درحقیقت انگیزش، فرایندی درونی است که به رفتار جهت و انرژی بخشیده و از نیازها، شناخت‌ها و هیجان‌ها به‌عنوان منابع درونی و تقویت‌کننده‌ها و تنبیه‌کننده‌ها به‌عنوان منابع بیرونی، نشئت می‌گیرد (ریو، ۱۳۸۹، ص ۵-۸). انسان علاوه بر نیازهای زیستی و روان‌شناختی صرف، یک دسته نیازهای روانی - معنوی^۲؛ نظیر نیاز به رابطه با خدا، ایمنی جویی معنوی و خودشکوفایی معنوی (شجاعی، ۱۳۸۸) را داراست. اریکسون^۳ نیز با بیان وضعیتی در انسان به نام «دلشوره وجودی یا بنیادین»، بیان می‌کند که دین می‌تواند یکی از منابع رفع این نیاز باشد (نلسون، ۱۳۹۵، ص ۲۶۲). برخی پژوهشگران نیز نتیجه این نیاز را، میل به پرستش (والش، ۱۳۸۰، به نقل از: شجاعی، ۱۳۸۸) یا «فعال کردن»^۴ رفتار معنوی (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰) می‌دانند.

اساساً یکی از موضوعات مورد مطالعه در روان‌شناسی، تأثیر معنویت بر رضایت از زندگی^۵ (کوئینگ و لارسون، ۲۰۰۱^۶؛ کوئینگ و همکاران، ۲۰۱۲، به نقل از: منکیوسو و لورونا، ۲۰۲۳^۷)، شادکامی^۸ (الیسون و فن، ۲۰۰۸^۹)، لذت، آرامش^{۱۱} و کرامت^{۱۲} (یادن^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۷) و بهزیستی ذهنی^{۱۴} (کوئینگ و همکاران، ۲۰۱۲) است. معنویت از دو طریق این نتیجه را حاصل می‌آورد: یکی از طریق باورهای دینی / معنوی^{۱۶} و دیگری از طریق اعمال دینی / معنوی^{۱۷} (کاپلن و همکاران، ۲۰۲۳^{۱۸}). همچنین یک بررسی جامع از بیش از ۳۰۰۰ مطالعه کمی نشان داد که معنویت به‌طورکلی با سلامت روان مرتبط است (کوئینگ و همکاران، ۲۰۱۲، به نقل از: شافرانسکه، ۲۰۲۳). بر همین اساس

1. Reeve, J.
2. Spiritual Needs.
3. Erikson, E.
4. Activation.
5. Life Satisfaction (LS).
6. Koenig, H. G. & Larson, D. B.
7. Mancuso, E. K. & Lorona, R. T.
8. Happiness.
9. Ellison, C. G. & Fan, D.
10. Joy.
11. Peace.
12. Reverence.
13. Yaden, D. B.
14. Subjective Well-being.
15. Koenig, H. G.
16. R/S Beliefs.
17. R/S Practices.
18. Cappellen, P. V. & Zhang, R., Fredrickson, B. L.

برخی به ایجاد درمان‌های معنوی مانند درمان یکپارچه معنوی پارگامنت (۲۰۰۷)، درمان الهی ریچارد و برگین (۲۰۰۵) روی آورده‌اند (جان‌بزرگی، ۱۳۹۸). جان‌بزرگی (۱۳۹۵)، با هدف فعال‌سازی بُعد معنوی مراجعان، حوزه اصلی کنش‌وری درمان چندبعدی معنوی^۱ خود را «عمل معنوی»^۲ بیان می‌کند و آن را هویت‌بخش انسان می‌داند.

بر همین اساس اکثر مطالعات تجربی اثرات مثبت معنویت را بر اختلالات خلقی^۳ (ماسکرو^۴ و همکاران، ۲۰۲۱)؛ از جمله افسردگی^۵ کمتر (بونلی^۶ و همکاران، ۲۰۱۲؛ کوئینگ و همکاران، ۲۰۱۲) نشان می‌دهند. البته این نکته نیز مهم است که کشمکش‌های معنوی^۷، تردیدها^۸ و فقدان معنا افسردگی را تشدید می‌کند (رزمارین و همکاران، ۲۰۱۴؛ اکسلاین^۹ و همکاران، ۲۰۱۱؛ پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۵، به نقل از: شافرانسکه، ۲۰۲۳). شاید بتوان ریشه این تأثیرات شگرف را در ویژگی وحدت‌بخشی احساسات دینی از دیدگاه آلپورت (آلپورت، به نقل از: وولف، ۱۳۸۶، ص ۷۸۸) یا هدفمندی در زندگی و اهمیت ندادن به ارزش‌های مادی (الکینز و همکاران، ۱۹۸۸، به نقل از: وست، ۱۳۸۳، ص ۲۷) جست‌وجو نمود.

در میان آموزه‌های اسلامی، محور و معیار ارزش عمل، به‌عنوان تنها سرنوشت‌ساز انسان (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۵۴)، نیت معرفی شده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۳).^{۱۰} بر همین اساس برخی پژوهشگران، «نیت» را هسته مفهومی انگیزش بر اساس منابع اسلامی دانسته و به تبیین مدل عملکردی انگیزش بر اساس منابع اسلامی پرداخته‌اند (تبیك، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸). لذا منظور از عمل معنوی، «آن دسته از رفتارهای ارادی درونی و بیرونی است که در جهت ارتباط و اتصال با خداوند و مطابق با خواسته‌ها و قواعد او (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۰)»^{۱۱} است.

با تمام اهمیت این موضوع، تاکنون پژوهش‌منسجمی در باب تبیین سازه انگیزش از دیدگاه اسلام انجام نشده است (تبیك، ۱۳۹۶). با وجود پژوهش‌های فراوان در باب عوامل تسهیل‌گر انگیزش معنوی بر اساس منابع اسلامی (نظیر شجاعی، ۱۳۸۶؛ کاویانی و کریمی، ۱۳۹۰؛ بشیری، ۱۳۹۳؛

1. Spiritually Multidimensional Psychotherapy (SMP).
2. Spiritual Action.
3. Mood Disorders
4. Mosqueiro, B. P.
5. Depression
6. Bonelli, R.
7. Spiritual Struggles
8. Doubts
9. Exline, J. J.

۱۰. «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»

۱۱. «لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ وَلَا قَوْلَ وَلَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ وَلَا قَوْلَ وَلَا عَمَلَ وَلَا نِيَّةَ إِلَّا بِإِصَابَةِ السُّنَّةِ»

نوری، ۱۳۹۶؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ تیبیک، ۱۳۹۸؛ فدایی (۱۴۰۱)؛ لکن خلاً موجود در باب عوامل کاهش انگیزش معنوی هنوز باقی است، که این پژوهش درصدد رفع آن است. بر همین اساس، این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که با وجود حقایقی در انسان مانند نیازهای معنوی و گرایش فطری به خدا، چه عواملی سبب آن می‌گردد که در برخی افراد، عمل معنوی حاصل نمی‌گردد یا انگیزش حاصل‌آمده پس از مدتی زائل می‌گردد؟

روش

رویکرد این پژوهش کیفی و به روش نظریه داده‌بنیاد است. برای این منظور، داده‌ها با دو معیار اعتبار و ارتباط گردآوری شدند. در اعتبارسنجی داده‌ها، از قرآن کریم و مصادر حدیثی با درجه اعتبار الف (طباطبایی، ۱۳۹۸) استفاده شد. در معیار ارتباط داده‌ها نیز، کلیدواژگان مرتبط با موضوع، از طریق پژوهش‌های پیشین در باب انگیزش در منابع اسلامی (بخشی، ۱۳۸۰؛ نجاتی ۱۳۹۱، کاویانی، ۱۳۹۳؛ بشیری ۱۳۹۳؛ تیبیک، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹؛ جان‌بزرگی، ۱۳۹۸؛ فدایی، ۱۴۰۱) و معادل‌یابی برخی مفاهیم انگیزش (ریو، ۲۰۰۵) در زبان عربی و ادبیات اسلامی (پسندیده، ۱۳۹۸) حاصل آمدند. بر این اساس، مفاهیم مرتبط با موضوع؛ از قبیل «نیة» و صفات غیر معنوی آن (مانند شرک، شوب و نفاق، ریا)، شاکله، بعث (مانده: ۳۱)، میل (نساء: ۲۷)، رغبة (انبیاء: ۹۰)، شهوة (مریم: ۵۹)، حصص (معاون: ۳)، سائق (ق: ۲۱)، إصغاء (انعام: ۱۱۳)، کسَل (توبه: ۵۴)، حرص (نحل: ۳۷)، ایتغاء (عنکبوت: ۱۷)، تعابیر مربوط به غایت رفتار (وجه الله، مرضات الله، لله؛ بقره: ۱۱۲؛ آل عمران: ۲۰؛ نساء: ۱۱۳)، إهمال، تقصیر (طراد، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۲۸۰)، تَهَاؤُن (طراد، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۲۵۰)، إستخفاف (طراد، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۸۷)، تَکَاثُل (طراد، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۲۴۲)، إیلاع (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۴۴۱)، فَسَل (آل عمران: ۱۵۲)، حَنَن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲)، سَام (امام زین‌العابدین، ۱۳۷۶، ص ۳۶)، تَوَانِي (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۸۹) و... حاصل آمدند. سپس از روش‌های اختصاصی متون دینی در فهم مقصود کلام؛ از قبیل قرائن متصله و منفصله، فهم عالمان، فهم مفردات کلام با استفاده از علومى مانند صرف و فقه اللغة، فهم ترکیبات کلام با استفاده از اصطلاح‌شناسی و علم نحو (پسندیده، ۱۳۹۸) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل‌آمده نیز از روش «نظریه داده‌بنیاد» یا «گراندد تئوری»^۲ با رویکرد «سیستماتیک» (استراوس و کربین، ۱۹۹۰) و به صورت دستی انجام شد. این

1. Reeve, J.

2. Grounded theory

رویکرد به تحلیل محتوا شباهت دارد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵، ص ۲۰۳). در این روش مبتنی بر دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد که تبیین‌کننده یک فرایند یا تعامل میان برخی پدیده‌هاست (کرسول، ۲۰۰۵، به نقل از: دانانی فرد و امامی، ۱۳۸۶). جمع‌آوری داده‌ها نیز، تا جایی که تحلیل منابع داده جدیدی را حاصل نمی‌آورد و همچنین تبیین نظری پژوهش، نیازمند جمع‌آوری مجدد اطلاعات نبود (اشباع نظری)، ادامه یافت (ایمان، ۱۳۹۱، ص ۸۸). در این روش، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از سه نوع کدگذاری^۱ «باز»،^۲ «محوری»^۳ و «گزینشی»^۴ است. در فرایند کدگذاری باز، «مفهوم» سازی صورت می‌گیرد؛ پس از کشف مفاهیم، تحلیلگر می‌تواند آنها را ذیل «مقوله» ای انتزاعی تر قرار داده و پس از مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی، در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی مرتبط می‌شوند. در مرحله کدگذاری گزینشی با تعیین مقوله مرکزی، یکپارچه‌سازی نظریه انجام می‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰).

در مرحله نهایی نیز برای دستیابی به اطمینان از یافته‌های پژوهش، از معیار «اتکاپذیری»^۵ (معادل اعتبار^۶ در روش کمی) استفاده شد (لینکن و گابا، ۱۹۸۵، به نقل از: تبیگ، ۱۳۹۸). برای اطمینان از اتکاپذیری داده‌ها و کمی‌سازی آن، دو شیوه «شاخص روایی محتوا»^۷ (CVI) و «نسبت روایی محتوا»^۸ (CVR) ملاک عمل قرار گرفت. در CVI، نظر کارشناسان نسبت به مطابقت یافته‌ها (لین، ۱۹۸۶، به نقل از: خطیب، ۱۴۰۰) و در CVR توافق کارشناسان با گویه‌های مدل نظری (پالیت، بک و اون، ۲۰۰۷، ص ۴۶۲، به نقل از: خطیب، ۱۴۰۰) سنجیده شد. حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ است (پالیت و بک، ۲۰۰۶، به نقل از: خطیب، ۱۴۰۰). با توجه به تعداد کارشناسان این مرحله (۹ نفر)، حداقل مقدار CVR قابل قبول ۰/۷۵ و بیشتر بود (لاشی، ۱۹۷۵).^{۱۰} از جهت حرفه‌ای، ۵ نفر از کارشناسان مربوطه دارای تحصیلات دکترای روان‌شناسی تخصصی و سطح ۳ حوزه علمیه و ۴ نفر نیز دارای ارشد روان‌شناسی و سطح ۴ حوزه علمیه بودند.

1. Coding

2. Open

3. Axial

4. Selective

5. Dependability

6. Reliability

7. Content Validity Index (CVI)

8. Content Validity Ratio (CVR)

9. Lynn, M. R.

10. Lawshe, C. H.

یافته‌ها

برخی داده‌های به‌دست‌آمده از منابع اسلامی، به پدیده‌هایی اشاره دارد که موجب کاهش انگیزش معنوی می‌شوند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، ۳ مقوله اصلی، ذیل عوامل کاهش انگیزش معنوی قرار می‌گیرند که شامل «عوامل برون‌فردی»، «عوامل درون‌فردی بنیادین» و «عوامل درون‌فردی میانجی» می‌شود.

مقوله «عوامل برون‌فردی» کاهش انگیزش معنوی دارای ۲ مقوله فرعی «عوامل ماهوی» و «عوامل عارضی» است. منظور از عوامل ماهوی آن دسته از پدیده‌های خارجی‌اند که برآمده از ماهیت عمل معنوی یا ماهیت دنیا و آخرت هستند. عوامل عارضی نیز در برابر ماهوی قرار دارد. عوامل ماهوی شامل ۲ زیر مقوله «ماهیت عمل» و «ماهیت دنیا و آخرت» است. عوامل عارضی نیز، شامل ۲ زیر مقوله «عوامل عارضی طبیعی» و «عوامل عارضی ماورائی» است. منظور از طبیعی در برابر ماورائی است. منظور از عوامل ماورائی، نقش عواملی مانند خداوند و شیطان در ترک عمل معنوی است.

از میان داده‌های مختلفی که مرتبط با «ماهیت عمل» اند می‌توان به برخی مفاهیم اشاره نمود. برخی متون اشاره به سختی عمل معنوی دارند (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۱).^۱ این سختی در صورتی که همراه با دنیاطلبی بوده (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۳) یا فرد عاری از خشوع قلبی^۲ (بقره: ۴۵) باشد، افزون می‌گردد. از میان داده‌های مختلفی که مرتبط با «ماهیت دنیا و آخرت» اند می‌توان به برخی مفاهیم اشاره نمود؛ مانند نقد بودن دنیا و نسیه بودن آخرت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۸۸؛^۳ قیامت: ۲۰ - ۲۱)^۴ و فریبندگی دنیا (حدید: ۲۰؛ آل عمران: ۱۴؛^۵ سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۵۸)^۶ اشاره نمود.

۱. «وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَا مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي كُفْرِهِ وَمَا مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ شَيْءٍ إِلَّا يَأْتِي فِي شَهْوَةٍ»

۲. «إِنَّ اللَّهَ تَقَلَّ الْحَيْرَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا كَيْفَلِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ اللَّهَ خَفَّفَ الشَّرَّ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا كَخَفَّتِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

۳. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»

۴. «وَلَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ وَعَاجِلِ مَعَاشِي عَنْ آجِلِ ثَوَابِ آخِرَتِي»

۵. «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ»

۶. «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَ... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»

۷. «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ... ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»

۸. «فَإِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ لَبِئْسَ مَسْهَا قَاتِلٌ سَمُّهَا»

برخی داده‌ها دلالت بر «عوامل عارضی ماورائی» دارند؛ از این جمله می‌توان به افعال شیطان نظیر وسوسه^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۳۰)، امر به عمل غیر معنوی^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۶)، وعده‌های باطل^۳ (نساء: ۱۲۰)، آرزو افکنی^۴ (محمد: ۲۵)، تزئین عمل غیر معنوی^۵ (نمل: ۲۴)، برانگیختن به فعل غیر معنوی^۶ (مریم: ۸۳) و ایمنی بخشی بر گناه^۷ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۸۵) اشاره کرد؛ همچنین برخی داده‌ها دلالت بر نقش افعال خداوند در کاهش انگیزش معنوی مانند قرین کردن شیطان توسط خداوند^۸ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۱۴)، بازداری خداوند از انجام عمل معنوی جهت جلوگیری از عجب^۹ (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۰۰) و اِضلال خداوند در بستر عدم ایمان^{۱۰} (انعام: ۱۲۵) می‌کنند.

مستنداتی نیز وجود دارند که دلالت بر وجود «عوامل عارضی طبیعی» نظیر تحمیل عمل معنوی توسط دیگران^{۱۱} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۵)، تندخویی افراد منتسب به دین^{۱۲} (آل عمران: ۳)، فتنه‌های اجتماعی^{۱۳} (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۱۰)، فشارهای اجتماعی و عدم هجرت از محیط غیر معنوی^{۱۴} (نساء: ۹۷)، رفاه و فقر در برخی شرایط^{۱۵} (ابن بابویه، ۱۳۹۸، ص ۴۰۰)، ایجاد انحراف

۱. «لَمَتَّانِ لِمَتِّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لِمَتِّهِ مِنَ الْمَلِكِ فَلَمَتَّهُ الْمَلِكُ الرَّقَّةَ وَ الْفَهْمُ وَ لِمَتِّهِ الشَّيْطَانِ السَّهْوُ وَ الْقَسْوَةُ»
۲. «مَا مِنْ قَلْبٍ إِلَّا وَ لَهُ أَذْنَانِ عَلَىٰ إِخْدَاهُمَا مَلَكٌ مُرْتَبِدٌ وَ عَلَىٰ الْآخَرَىٰ شَيْطَانٌ... الشَّيْطَانُ يَأْمُرُهُ بِالْمَعَاصِي وَ الْمَلَكُ يُنْجِرُهُ عَنْهَا»
۳. «يَعُدُّهُمْ وَ يُمَتِّبُهُمْ وَ مَا يَعُدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»
۴. «... الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمَلَىٰ لَهُمْ»
۵. «وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ»
۶. «أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَضَّعُوا لَنَا»
۷. «اللَّهُمَّ... وَ جَعَلْتَ لِي عَدُوًّا يَكِيدُنِي وَ سَلَطْتَهُ مِنِّي... يُؤْمِنُنِي عَدَابَكَ... إِنْ هَمَمْتُ بِفَاحِشَةٍ شَجَّعَنِي»
۸. «إِنَّ اللَّهَ... إِذَا أَرَادَ بِعَدُوِّهِ سُوءًا... وَ وَكَّلَ بِهِ شَيْطَانًا يُضِلُّهُ»
۹. «وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يُرِيدُ الْبَابَ مِنَ الْعِبَادَةِ فَأَكْفَهُ عَنْهُ لِنَلَا يَدْخُلَهُ عَجَبٌ»
۱۰. «وَ مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»
۱۱. «إِنَّ الْإِيمَانَ عَشْرٌ دَرَجَاتٍ يَمُنُّ بِهَا الْمُؤْمِنُونَ... وَ إِذَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْكَ بِدَرَجَةٍ فَارْفَعْهُ إِلَيْكَ بِرِفْقٍ وَ لَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ»
۱۲. «وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا فَظًّا غَلِظَ الْقَلْبُ لِانْقِصَاؤِ مِنْ حَوْلِكَ»
۱۳. «ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ طَالِعُ الْفِتْنَةِ الرَّجُوفِ وَ الْقَاصِمَةُ الرَّجُوفِ فَتَزِيغُ قُلُوبَ بَعْدَ اسْتِقَامَةٍ وَ تَضِلُّ رِجَالُ بَعْدَ سَلَامَةٍ»
۱۴. «إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَالِبِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا»
۱۵. «وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَضِلُّحُ إِيمَانَهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ وَ لَوْ أَعْتَبْتَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنْ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَضِلُّحُ إِيمَانَهُ إِلَّا بِالْغِنَاءِ وَ لَوْ أَفْقَرْتَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ»

توسط انسان‌های منحرف مانند عالم فاسق و عابد جاهل^۱ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۹) می‌کنند. «عوامل درون‌فردی بنیادین» دارای ۳ مقوله فرعی «ماهیت انسان»، «سرشت غیر معنوی» و «صفات و ملکات» است. عوامل درون‌فردی بنیادین، عواملی مانند طینت غیر معنوی، روح شهوت، رذائل اخلاقی و صفات شخصیتی است و منظور از عوامل درون‌فردی میانجی (مانند هیجانات، شناخت‌ها و رفتارها) آن دسته از عوامل است که مبتنی بر عوامل درون‌فردی بنیادین فرایند کاهش انگیزش معنوی را تبیین و توجیه می‌کند.

مقوله فرعی «ماهیت انسان» ناظر به ویژگی‌های خلقی‌ای است که طبق متون دینی، برآمده از ماهیت و خلقت اولیه انسان بوده و مانعی برای انگیزش معنوی او به حساب می‌آیند. در این راستا برخی مستندات به نقش روح قوت و روح شهوت در تشجیع انسان و تزئین عمل در هنگام انجام عمل غیر معنوی^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۸۳)، خلقت همراه با وسوسه^۳ (ق: ۱۶)، آماره به سوء بودن نفس^۴ (یوسف: ۵۳)، ضعف انسان در برابر شهوات (امام زین‌العابدین، ۱۳۷۶، ص ۵۸؛ نساء: ۲۸)، حریص خلق شدن انسان^۵ (معارج: ۱۹) و ادبار طبیعی قلوب^۶ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۰) اشاره دارند. مقوله فرعی «سرشت غیر معنوی» ناظر به عوامل خلقی فردی‌ای است که در افراد نهادینه شده است و آنها را به سمت رفتار غیر معنوی سوق می‌دهد. برخی روایات دلالت بر تأثیر خلقت اولیه جسم و روح هر فرد بر رفتارهای معنوی^۷ (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۰۴)، اعطای قوه خاص گناه و عدم قبول معارف معنوی به اهل معصیت (بر اساس علم الهی)^۸ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۵۳) و عدم طهارت مولد و شراکت شیطان در خلقت اولیه، در شوق به عمل غیر معنوی^۹ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۷) می‌کنند.

۱. «قَطَعَ ظَهْرِي رَجُلَانِ مِنَ الدُّنْيَا رَجُلٌ عَلَيْهِمُ اللِّسَانِ فَاسِقٌ وَ رَجُلٌ جَاهِلٌ الْقَلْبِ نَاسِكٌ هَذَا بَصْدٌ بِلِسَانِهِ عَنْ فِشْقِهِ وَ هَذَا بِئُشْكِهِ عَنْ جَهْلِهِ»
۲. «... فَتَيْهَمُ بِالْخَطِيئَةِ فَيُسَجِّعُهُ رُوحُ الْقُوَّةِ وَ يُزَيِّنُ لَهُ رُوحُ الشَّهْوَةِ»
۳. «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَّمْ مَا تَوْسُوهُ بِهِ نَفْسُهُ»
۴. «إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ»
۵. «اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضَّعِيفِ خَلَقْتَنَا، وَ عَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا»
۶. «وَ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا»
۷. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا»
۸. «إِنَّ لِقُلُوبٍ إِقْبَالَ وَ إِذْتِبَارًا»
۹. «وَ خَلَقَ الْكُفَّارَ مِنْ طِينَةِ سَجِينٍ قُلُوبُهُمْ وَ أَبْدَانُهُمْ فَخَلَطَ بَيْنَ الطَّيِّبَتَيْنِ ... وَ قُلُوبُ الْكَافِرِينَ تَجَرُّ إِلَى مَا خُلِقُوا مِنْهُ»
۱۰. «وَ وَهَبَ لِأَهْلِ الْمُعْصِيَةِ الْقُوَّةَ عَلَى مَعْصِيَتِهِمْ لِيَسْبِقَ عَلَيْهِمْ فِيهِمْ وَ مَنَعَهُمْ إِطَاقَةَ الْقَبُولِ مِنْهُ فَوَاقَفُوا مَا سَبَقَ لَهُمْ فِي عِلْمِهِ»
۱۱. «لَوْلَا الرِّزَا عَلَامَاتٌ ... وَ تَأْنِيهَا أَنَّهُ يَجْرُ إِلَى الْحَرَامِ الَّذِي خُلِقَ مِنْهُ وَ تَأْلُفُهَا الْاِسْتِخْفَافُ بِالذَّلِيلِينَ»

مقوله فرعی «صفات و ملکات» ناظر به ویژگی‌های ثابت و پایدار در فرد است. خود این مقوله دارای دو مفهوم «صفات اخلاقی» و «صفات شخصیتی - روان‌شناختی» است. منظور از صفات اخلاقی، آن دسته از صفات هستند که بنابر تقسیم‌بندی‌ها، جزء رذائل اخلاقی محسوب می‌شوند، و منظور از صفات شخصیتی - روان‌شناختی نیز آن دسته از صفات هستند که بیشتر ناظر به سازه‌های شخصیتی و روان‌شناختی فرد می‌باشند.

در راستای بر شماری نقش صفات اخلاقی، برخی مستندات، اشاره به نقش استکبار^۱ (ص: ۷۳ - ۷۴)، حرص و حسد^۲ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۱) عجب^۳ (سید رضی، ۱۴۱۴)، عدم خودشفقتی معنوی (ظلم به نفس)^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۵)، کسالت^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۴)، بی‌حیایی^۶ (سید رضی، ۱۴۱۴)، تعصب بر روش گذشتگان^۷ (بقره: ۱۷۰)، لجاجت^۸ (ملک، ۲۱) در کاهش انگیزش معنوی دارند. برخی روایات نیز با بیان عوامل پایداری بر دیانت نظیر سخت‌روی^۹ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۴۱) صبر^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۷) و کرامت نفس^{۱۱} (سید رضی، ۱۴۱۴)، نبود این پدیده‌ها را مانع معرفی می‌کنند. «صفات شخصیتی - روان‌شناختی» مصادیق مختلفی مانند: «ضعف عقل، موت قلب، قفل قلب، قساوت قلب، طبع قلب، زنگار قلب، مرض قلب، پوشش قلب، کری و کوری قلب، ضیق صدر برای ایمان (و شرح صدر برای کفر)، مقلوب بودن قلب، مخلوط بودن قلب و غلظت قلب» دارد. از این میان، برخی مستندات دلالت بر نقش منفی قساوت قلب^{۱۲} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۹۹)، مرض قلب^{۱۳} (سید رضی، ۱۴۱۴)، موت



۱. «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا ابْنِيسَ اسْتَكْبَرَ»
۲. «وَالْحِرْصُ وَالْكِبْرُ وَالْحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّفَحُّمِ فِي الدُّنْيَا»
۳. «وَلَا أَطْلَقَ عَنْهُمْ عَظِيمَ الرَّزْفَةِ رَبِّي حُسُوعِهِمْ وَلَمْ يَتَوَلَّهُمْ إِعْجَابُ فَيَسْتَكْبِرُوا مَا سَلَفَ مِنْهُمْ»
۴. «وَإِنْ أَنْصَحَكُمْ لِنَفْسِهِ أَطُوعَكُمْ لِرَبِّهِ وَأَعَشَّكُمْ لِنَفْسِهِ أَغْصَاكُمْ لِرَبِّهِ»
۵. «وَمَنْ كَيْبَلَ عَنْ أَمْرٍ دُنْيَا فَهُوَ عَنْ أَمْرٍ آخِرَةٍ أَكْسَلَ»
۶. «وَمَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ»
۷. «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا»
۸. «... بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ»
۹. «الْمُؤْمِنُ أَضَلُّ مِنَ الْجَبَلِ الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ»
۱۰. «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ... إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ»
۱۱. «مَنْ كَرِهَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ»
۱۲. «وَمَنْ قَسَا قَلْبُهُ بَعُدَ مِنْ رَبِّهِ»
۱۳. «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَغَشَى بَصَرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يُنْظَرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ قَدْ حَرَقَتْ الشَّهْوَاتُ عَقْلَهُ»

قلب^۱ (سید رضی، ۱۴۱۴)، ضیق صدر^۲ (انعام: ۱۲۵)، عدم عقلانیت^۳ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۹) و پوشش قلب^۴ (فصلت: ۵) در سیر معنوی می‌کنند.

«عوامل درون فردی میانجی» کاهش انگیزش معنوی، دارای ۳ مقوله فرعی «عوامل شناختی»، «عوامل هیجانی» و «عوامل افعالی مقدماتی» است. عوامل میانجی، آن دسته از عوامل است که به نوعی در سطحی رویین از روان انسان اند (مانند هیجانات، شناخت‌ها و رفتارها)، واسطه‌ای بین سایر عوامل (عوامل برون فردی و درون فردی بنیادین) با کاهش انگیزش معنوی هستند.

عوامل شناختی، ناظر به شناخت‌هایی از انسان است که مانعی برای انگیزش معنوی حساب می‌شوند که شامل مفاهیم ذیل است: جهل / غفلت نسبت به دنیا و متاع آن، مرگ و آخرت، خود، عمل، گزاره‌های معنوی، جایگاه معنوی دیگران و خدا و صفات او.

مفهوم «جهل / غفلت نسبت به دنیا و متاع آن» مصادیق مختلفی مانند: جهل به دنیا^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۷)، عظیم‌انگاری دنیا^۶ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۶)، مشغولیت ذهنی به دنیا و غفلت از آخرت^۷ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۶) و غفلت از قلت نعمت‌های دنیا نسبت به آخرت^۸ (توبه: ۳۸) دارا است. مفهوم «جهل / غفلت نسبت به مرگ و آخرت» نیز دارای مصادیقی از جمله کوچک‌انگاری عذاب اخروی^۹ (آل عمران: ۲۴)، شک در آخرت (سبأ: ۲۰ - ۲۱)^{۱۰} و فراموشی مرگ^{۱۱} (سید رضی، ۱۴۱۴) است.

۱. «وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ... لَا يَنْزِجُهُ مِنَ اللَّهِ بَرَأَجْرٌ وَلَا يَتَّعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ»

۲. «وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا»

۳. «يَا هَسَامُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا مِرَّةَ لَهُ وَلَا مِرَّةَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ». برای درک معنای مروءه رک: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول.

ج ۱، ص ۶۳

۴. «وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَ فِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَ مِنْ بَيْنِنَا وَ بَيْنَكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّا عَامِلُونَ»

۵. «إِنَّ عِبَادِي الصَّالِحِينَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا بِقَدْرِ عِلْمِهِمْ وَ سَأَتُوا الخَلْقَ رَغْبُوا فِيهَا بِقَدْرِ جَهْلِهِمْ»

۶. «مَنْ عَظَمَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ وَ كَثُرَ مَوْفَعُهَا مِنْ قَلْبِهِ آتَرَهَا عَلَى اللَّهِ... وَ صَارَ عَبْدًا لَهَا»

۷. «لَا تُشْعِرُوا قُلُوبَكُمْ الاِسْتِغَالَ بِمَا قَدْ فَاتَ فَتَشْعَلُوا أَذْهَانَكُمْ عَنِ الاِسْتِغَادِ لِمَا لَمْ يَأْتِ»

۸. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَا قُلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»

۹. «نُفْسٌ يَتَوَلَّى قَرِيبٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ»

۱۰. «وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * وَ مَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِيَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي سَاءٍ»

۱۱. «قَدْ غَابَ عَنْ قُلُوبِكُمْ ذِكْرُ الْآجَالِ وَ حَضَرَكُمْ كَوَاذِبُ الْأَمَالِ فَصَارَتِ الدُّنْيَا أَمْلَكَ بِكُمْ مِنَ الْآخِرَةِ وَ الْعَاجِلَةُ أَذْهَبَ بِكُمْ مِنَ الْآجِلَةِ»

مفهوم «جهل / غفلت نسبت به خود» نیز مصادیق مختلفی از قبیل خودغنی‌پنداری در برابر خدا^۱ (علق: ۶ - ۷)، خودبی‌ارزش‌پنداری^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۷۶)، خودبرترانگاری^۳ (اعراف: ۱۲) و غفلت از حالت غیر معنوی^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۵) دارا است. متون فراوانی نیز از مفهوم «جهل / غفلت نسبت به عمل معنوی» پشتیبانی می‌کنند. بر همین اساس برخی مستندات، بی‌اثرانگاری عمل معنوی^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۶۵)، زیباانگاری ترک عمل معنوی^۶ (یونس: ۱۲)، تردید نسبت به انجام عمل معنوی^۷ (توبه: ۴۵) را موجب ترک آن و زیاد شماری اعمال معنوی گذشته را خطری احتمالی برای کوتاهی در انجام اوامر الهی^۸ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۰۸) می‌دانند. از «جهل / غفلت نسبت به گزاره‌های معنوی» و مصادیقش نیز می‌توان به کوچک و بازیچه‌انگاری حقایق معنوی^۹ (مائده: ۵۷)، تحیر در حقایق دینی^{۱۰} (نور: ۵۰) و خرافی‌انگاری دعوت انبیا^{۱۱} (انفال: ۳۱) اشاره نمود.

مصادیق «جهل / غفلت نسبت به جایگاه معنوی دیگران» مانند مجنون‌انگاری پیامبر خدا^{۱۲} (اعراف: ۶۷)، دارای فضیلت ندانستن اولیای خدا^{۱۳} (شعرا: ۱۵۴) و معنوی‌انگاری دیگران^{۱۴} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۳۸۴) نیز کاهنده‌انگیزش معنوی می‌باشند.



۱. «أَلَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ * أَن رَّءَاهُ اسْتَغْنَىٰ»
۲. «أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ إِلَىٰ مُوسَىٰ ﷺ مَا يَمْنَعُكَ مِنْ مُنَاجَاتِي فَقَالَ يَا رَبِّ اجْعَلْ عَنِّي الْخُلُوفَ فِيمَ الصَّامِ»
۳. «قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»
۴. «مَا يَصْنَعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَظْهَرَ حَسَنًا وَبُيِّرَ سَيِّئًا أَلَيْسَ يَرْجِعُ إِلَىٰ نَفْسِهِ فَيَعْلَمُ أَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ كَذَلِكَ... إِنَّ الشَّيْرَةَ إِذَا صَحَّتْ قَوَّيْتُ الْعَلَاتِيَّةَ»
۵. «إِذَا قَامَ الْمُصَلِّي إِلَى الصَّلَاةِ تَزَلَّتْ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مِنْ أَعْتَانِ السَّمَاءِ إِلَى أَعْتَانِ الْأَرْضِ وَحَثَّتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَنَادَاهُ مَلَكٌ لَوْ يَعْلَمُ هَذَا الْمُصَلِّي مَا فِي الصَّلَاةِ مَا اقْتُلَ»
۶. «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّهِ مَسَّهُ كَذَلِكَ زَيَّنَ لِمَنْ يَشَاءُ اللَّهُ لِيُنْفِرَ بِهِ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»
۷. «إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ»
۸. «يَا بَنِي إِيَّاكَ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ ﷻ فِي مَعْصِيَةِ نَهَاكَ عَنْهَا وَإِيَّاكَ أَنْ يُفِيدَكَ اللَّهُ تَعَالَىٰ عِنْدَ طَاعَةِ أَمْرِكَ بِهَا وَعَلَيْكَ بِالْحِجْدِ وَلَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ ﷻ لَا يُعِيدُ حَتَّىٰ عِبَادَتِهِ»
۹. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا»
۱۰. «وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ *... أ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا»
۱۱. «وَإِذَا تُنذِرَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنَّا نَسُوا الْآسَاطِيرَ الْأُولَىٰ»
۱۲. «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۶۵) قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ»
۱۳. «مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا»
۱۴. «كَانَ عَابِدٌ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يُقَارَفْ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا شَيْئًا فَتَخَرَّ إِبْلِيسُ نَحْرَهُ فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ جُنُودُهُ... قَالَ آخِرُ قَاتِلَا لَهُ قَالَ مِنْ أَيْنَ تَأْتِيهِ؟ قَالَ مِنْ حَاجِيَةِ الْبُرِّ!... فَأَقَامَ حِدَاهُ يُصَلِّي قَالَ وَكَانَ الرَّجُلُ يَنَامُ وَالشَّيْطَانُ لَا يَنَامُ وَتَسْتَرِيحُ وَالشَّيْطَانُ لَا يَسْتَرِيحُ فَتَحَوَّلَ إِلَيْهِ الرَّجُلُ وَقَدْ تَقَاصَرَتْ إِلَيْهِ نَفْسُهُ وَاسْتَضَعَّرَ عَمَلَهُ. فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِأَيِّ شَيْءٍ قَوَّيْتُ عَلَىٰ هَذِهِ الصَّلَاةِ... فَقَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنِّي أَذْنَبْتُ ذُنْبًا وَأَنَا تَائِبٌ مِنْهُ فَإِذَا ذَكَرْتُ الذَّنْبَ قَوَّيْتُ عَلَى الصَّلَاةِ قَالَ فَأَخْبَرَنِي بِذُنُوبِكَ حَتَّى أَعْمَلَهُ»

مستندات فراوانی به مفهوم «جهل نسبت به خدا و صفات او» و مصادیق آن دلالت دارد. در این راستا، برخی مستندات به نقش یقین^۱ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۳۰) و معرفت^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۳۷) به خداوند در میل به خداوند و ایجاد انگیزش برای عمل معنوی اشاره دارند؛ همچنین جهل از رحیم بودن خداوند نسبت به عمل کم بنده،^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۹) و شایسته‌امید ندانستن خداوند،^۴ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۶) و غفلت از خداوند^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۹۷) موجب کاهش انگیزش معنوی شمرده شده است.

«عوامل هیجانی» ناظر به هیجاناتی از انسان است که بر اساس مستندات، مانعی برای انگیزش معنوی حساب می‌شوند، که شامل این مفاهیم می‌گردد: «هیجانات یا حالات ضد معنوی»، «تعارض انگیزشی - هیجانی»، «هیجانات نسبت به دنیا و متاع آن»، «هیجانات نسبت به خدا»، «هیجانات نسبت به عمل»، «هیجانات نسبت به دیگران»، «هیجانات نسبت به آخرت».

مستندات زیادی از مفهوم «هیجانات یا حالات ضد معنوی» با مصادیقی نظیر غضب کنترل نشده^۶ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۱)، عدم سکینه^۷ (فتح: ۲۶)^۸ و شادی کنترل نشده^۹ (قصص: ۷۶) پشتیبانی می‌کنند. برخی داده‌ها نیز دلالت بر نقش «تعارض انگیزشی - هیجانی» نظیر کشمکش بین محبت دنیا و آخرت^{۱۰} (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۸۶) و عقل و هوای نفس^{۱۱} (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۲۷) در کاهش انگیزش معنوی دارند. مستندات فراوانی از مفهوم «هیجانات نسبت به دنیا و

۱. «وَقَطَعَهُمُ الْإِيمَانُ بِهِ إِلَى الْوَلَدِ إِلَيْهِ وَلَمْ تُجَاوِزْ رَغَبَاتُهُمْ مَا عِنْدَهُ إِلَى مَا عِنْدَ غَيْرِهِ»

۲. «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ مَنَعَ فَاهُ مِنَ الْكَلَامِ وَبَطَّنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَعَمَّا نَفْسَهُ بِالصِّيَامِ وَالْقِيَامِ»

۳. «إِيَّاكُمْ وَالْكَسَلَ فَإِنَّ رَبَّكُمْ رَحِيمٌ يُشْكِرُ الْقَلِيلَ إِنَّ الرَّجُلَ لِيُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ يُرِيدُ بِهِمَا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ»

۴. «فَمَا بَالُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَقْضِرُ بِهِ عَمَّا يُصْنَعُ بِهِ لِعِبَادِهِ أَتَخَافُ أَنْ تَكُونَ فِي رَجَائِكَ لَهُ كَاذِبًا أَوْ تَكُونَ لَا تَرَاهُ لِلْجَاءِ مَوْضِعًا»

۵. «وَإِنَّ تَرَكُ ذِكْرِي يُفْسِدُ الْقُلُوبَ»

۶. «لَا يَكُونُ الرَّجُلُ عَابِدًا حَتَّى يَكُونَ خَلِيمًا»

۷. «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى»

۸. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۲۸۹

۹. «إِنَّ قَارُونَ... إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ»

۱۰. «إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عَدْوَانٌ مُتَفَاوِيئَانِ وَسَيِلَانٌ مُخْتَلِفَانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَتَوَلَّاهَا أَبْغَضَ الْآخِرَةَ وَعَادَاهَا وَهِيَ بِمَثَلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ»

۱۱. «الْعُقْلُ وَالْهُوَى يَضْرِبَانِ فِي الْقَلْبِ فَإِنْ غَلَبَ هَوَى الْعُقْلِ عَمِلَ الرَّجُلُ بِالطَّيِّبِ وَالسَّغَى وَإِنْ كَانَ الْهُوَى هُوَ الْمَغْلُوبُ لَمْ يُوجَدْ فِي أَمْرِ الرَّجُلِ سَقْفٌ»

متاع آن» پشتیبانی می‌کنند. بر این اساس، حب دنیا^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۴۰) و مصادیق آن نظیر زن دوستی، حب بقا، حب ریاست، راحت طلبی، حب کلام، حب برتری، حب ثروت^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۰) و رضایت به دنیا در برابر آخرت^۳ (توبه: ۳۸)، ریشه تمام رفتارهای غیر معنوی است؛ لذا فلسفه زهد اولیای خدا نسبت به دنیا، فراغت قلبی برای سیر معنوی شمرده شده است^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۹).

برخی متون با اشاره به «هیجانان نسبت به خدا» به نقش عدم رضایت از خداوند^۵ (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۹۸)، ضعف در محبت الهی^۶ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۰)، تنفر از یاد خدا^۷ (زمر: ۴۵) و عدم امید^۸ (نساء: ۱۰۴) در کاهش انگیزش معنوی اشاره دارند. برخی مستندات «هیجانان نسبت به عمل» نظیر محرومیت فرد از لذت عمل معنوی^۹ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶)، نفرت از عمل معنوی^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۶)، شوق به عمل غیر معنوی^{۱۱} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۳۰) و حتی نشاط بیش از حد نسبت به عبادت^{۱۲} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۵) را موجب خروج از مسیر معنوی معرفی کرده‌اند. «هیجانان نسبت به دیگران» مانند: بغض و کینه از هدایتگران معنوی^{۱۳} (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۶)، عدم حب و بغض توحیدی^{۱۴} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۵)، ترس از دیگران^{۱۵}



۱. «وَاعْلَمَ أَنَّ رَأْسَ كُلِّ حَاطِبَةٍ وَذَنْبٌ هُوَ حُبُّ الدُّنْيَا»
۲. «لِلْمَعَاصِي شُعْبًا فَأَزَلَّ مَا عُصِيَ اللهُ بِهِ الْكِبْرُ... وَالْحِرْضُ... ثُمَّ الْحَسَدُ... فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ: حُبُّ النِّسَاءِ وَحُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ الرِّيَاسَةِ وَحُبُّ الرِّاحَةِ وَحُبُّ الْكَلَامِ وَحُبُّ الْعُلُوِّ وَالتَّوَهُُّ»
۳. «إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْفِقُوا إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ»
۴. «وَإِنَّمَا أَرَادُوا بِالْهُدَى فِي الدُّنْيَا لِيُفْرَقَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ»
۵. «عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ... الثَّالِثَةُ أَنْ لَا يَشْكُو مِنْ رَبِّهِ... وَإِذَا شَكَاهُ مِنْ رَبِّهِ فَقَدْ عَصَاهُ»
۶. «إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَوَجَدَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ... وَإِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَسْتَعْمِلُوا بِغَيْرِهِ»
۷. «وَإِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَحَدَّهُ اسْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ»
۸. «وَلَا تَهْتُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْمُونُ فَإِنَّهُمْ يَأْمُونُ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ»
۹. «إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مَنَاجِيهِ عَنِ قُلُوبِهِمْ»
۱۰. «وَلَا تَكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُتَنَبِّتِ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى»
۱۱. «إِذَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَبْدَ فِي أَضَلِّ الْخَلْقَةِ كَافِرًا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُحِبِّبَ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ فَيُفْتِرِ مِنْهُ»
۱۲. «أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصْبِرُ إِلَى فِتْرَةٍ فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةُ عِبَادَتِهِ إِلَى شَرِّهِ فَقَدْ اهْتَدَى وَمَنْ خَالَفَ شَرِّهِ فَقَدْ ضَلَّ وَكَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ»
۱۳. «كَيْفَ مَالِ النَّاسِ عِنْدَهُ إِلَى غَيْرِهِ وَقَدْ عَرَفُوا فَضْلَهُ وَسَابِقَتَهُ وَمَكَانَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟ فَقَالَ إِنَّمَا مَالُوا عِنْدَهُ إِلَى غَيْرِهِ لِأَنَّهُ كَانَ قَدْ قَتَلَ آبَاءَهُمْ وَأَجْدَادَهُمْ... فَكَانَ حَقْدُهُمْ عَلَيْهِ لِذَلِكَ فِي قُلُوبِهِمْ فَلَمْ يُحِبُّوا أَنْ يَتَوَلَّى عَلَيْهِمْ»
۱۴. «مِنْ أَوْثَقِ عُرَى الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَتُبْغِضَ فِي اللَّهِ»
۱۵. «فَلَمَّا كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَحْسَبُونَ النَّاسَ كَحَسْبِيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ حَسْبِيَةً»

(نساء: ۷۷) و میل به یکپارچگی با جامعه^۱ (عنکبوت: ۲۵)^۲ نیز گاهی کاهنده انگیزش معنوی است. برخی مستندات اشاره به نقش «هیجان‌ات نسبت به آخرت» و مصادیق آن مانند: عدم خوف^۳ (مدثر: ۵۳) و امید افراطی به آخرت^۴ (سید رضی، ۱۴۱۴)، دارند.

«عوامل افعالی مقدماتی»، آن دسته از افعال جوارحی و جوانحی است که باعث کاهش انگیزش معنوی در فرد می‌شوند. به عبارت دیگر، این افعال خود مقدمه‌ای برای کاهش انگیزش معنوی و ترک فعل معنوی هستند. این مقوله فرعی شامل مفاهیم و مصادیق «افعال فردی شناختی»، «افعال فردی غیرشناختی» و «افعال میان فردی» است. افعال فردی شناختی ناظر بر افعالی اختیاری است که فرد نسبت به شناخت‌های معنوی خود انجام می‌دهد و بر همین اساس، اختیارات موجب کاهش ایمان به حقایق معنوی می‌شود، ولی در افعال فردی غیرشناختی، کانون اصلی فعل، شناخت‌های فرد نیستند. در افعال میان فردی نیز، فرد رفتارهایی را از خود در رابطه با دیگران بروز می‌دهد.

مستندات زیادی دلالت بر مفهوم «افعال فردی شناختی» و مصادیق آن دارند؛ مانند سرسپردگی فکری نسبت به دیگران^۵ (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۹۶)، تشکیک ارادی در واقعیت‌های معنوی^۶ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۹۱)، انکار و عدم ایمان به حقایق معنوی^۷ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۰)، آرزوپردازی واهی^۸ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۳۵) و عدم تعقل^۹ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷). مفهوم «افعال فردی غیرشناختی» نشانگر مصادیقی از قبیل پرخوری^{۱۰} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۶۹)، زیاد خندیدن^{۱۱} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۴)، افراط و تحمیل در عبادت^{۱۲} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۷)، به تأخیر انداختن

۱. «وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»

۲. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۲۰.

۳. «فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُغْرِبِينَ * ... كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ»

۴. «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بَعْدَ عَمَلٍ وَبُرْجِي التَّوْبَةَ يَطُولُ الْأَمَلُ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الرَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاهِبِينَ»

۵. «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ رَعَاغٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ»

۶. «وَمَنْ امْتَرَى فِي الدِّينِ تَرَدَّدًا فِي الرَّيْبِ وَسَبَقَهُ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَذْرَكَهُ الْآخِرُونَ وَوَطَّئَتْهُ سَنَابِكُ الشَّيْطَانِ»

۷. «وَمَنْ عَانَدَ الْحَقَّ لِرِمَّةِ الْوَهْنِ»

۸. «وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ»

۹. «فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا وَالرَّاهِبِينَ فِيهَا وَرَغِبَ فِيهَا عِنْدَ اللَّهِ»

۱۰. «إِنَّ الْبُظْنَ لِيَطْعَى مِنْ أَكْلِهِ وَأَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ إِذَا خَفَّ بَطْنُهُ»

۱۱. «كَثْرَةُ الصَّحْكِ تُمِثُّ الْقَلْبَ وَقَالَ كَثْرَةُ الصَّحْكِ تُمِثُّ الدِّينَ كَمَا يُمِثُّ الْمَاءُ الْمَلْحَ»

۱۲. «يَا عَلِيُّ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغَلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَلَا تَبْغُضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ فَإِنَّ الْمُتَبَتَّ يَغْنِي الْمُمْغِرَ لَا ظَهْرًا أَبْقَى وَلَا أَرْضًا قَطَعَ»

عمل معنوی^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۳) و دیدن و شنیدن^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶) خصوصاً استماع لهو^۳ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۶) است که موجب کاهش انگیزش معنوی می‌شود. مصادیق مفهوم «افعال میان فردی»، نیز در کاهش انگیزش معنوی نقش داشته و شامل تفاخر و تکاثر^۴ (تکاتر: ۱ - ۲)،^۵ مرء و مخاصمه با دیگران^۶ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۱)، معاشرت با جنس مخالف و ثروتمندان ناز پروده^۷ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۱)، همنشینی با فرد کم حیا^۸ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۶)^۹ و مشغولیت به کارهای روزمره اجتماعی^{۱۰} (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۶۱) است. جدول (۳ - ۴) نشان دهنده مفاهیم و مقوله‌های فرعی مقوله «عوامل درون فردی میانجی» است. مجموع آنچه به عنوان عوامل کاهش انگیزش معنوی به دست آمده است، در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: عوامل کاهش انگیزش معنوی

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
ماهیت دنیا و آخرت: نسیه بودن آخرت و نقد بودن دنیا، جذابیت و فریبندگی دنیا، مانند آب شور / پيله بودن دنیا	عوامل ماهوی	عوامل برون فردی
ماهیت عمل: سختی عمل معنوی، راحتی و لذت بخش بودن عمل غیر معنوی، تشدید سختی عمل معنوی برای دنیا طلبان یا افراد غیر شایع، سخت تر بودن ابقای خلوص از خود عمل معنوی		
عوامل عارضی طبیعی: تحمیل عمل معنوی توسط دیگران، آسایش و دارایی، عدم آسایش، رفاه و آسایش منحرفین در برابر مشکلات مؤمنین، ستایش مردم، ایجاد انحراف توسط عالم فاسق / عابد منحرف / کفار، تندخویی افراد منتسب به دین، فتنه‌های اجتماعی، عدم مصاحبت با انسان‌های معنوی، مصاحبت با افراد غیر معنوی، فشارهای اجتماعی (و عدم هجرت از محیط نامناسب)	عوامل عارضی	



۱. «إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِخَيْرٍ أَوْ صِلَةٍ فَإِنَّ عَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ شَيْطَانَيْنِ فَلْيُبَادِرْ لَّا يَكْفَاهُ عَنْ ذَلِكَ»
۲. «طُوبَى لِمَنْ أَلْخَصَّ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالدَّعَاءَ وَ لَمْ يَشْغَلْ قَلْبَهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ وَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أذْنَاهُ»
۳. «ثَلَاثَةٌ يُقْسِمِينَ الْقَلْبَ اسْتِمَاعُ اللَّهِ»
۴. «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى رُزْتُمُ الْمَقَابِرِ»
۵. جهت بررسی دقیق تر واژه «الهاکم» ر.ک: ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۶۰۰.
۶. «إِيَاكُمْ وَ الْخُصُومَةَ فَإِنَّهَا تَشْغَلُ الْقَلْبَ»
۷. «ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقَلْبَ ... وَ الْحَدِيثُ مَعَ الْيَسَاءِ وَ الْجُلُوسُ مَعَ الْأَعْيَاءِ»
۸. «يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَجْتَنِبَ مُوَخَاةَ ثَلَاثَةِ الْمَاجِنِ ... فَأَمَّا الْمَاجِنُ فَيُزِيئُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ ... وَ مَقَارِنَتُهُ جَفَاءٌ وَ قَسْوَةٌ»
۹. «مَجَنُّ الشَّيْءِ يَمُجِّنُ مُجُونًا إِذَا صَلَّبَ وَ غَلَّظَ، وَ مِنْهُ اسْتِقْفَاءُ الْمَاجِنِ لِمَصْلَابَةِ وَجْهِهِ وَ قَلَّةُ اسْتِحْبَابِهِ (لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۰۰) (پررو و کم حیا) / مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۱، ص ۸۲، لا یبالی قولاً و فعلاً
۱۰. «وَ لِأَنَّ الْقُلُوبَ فِيهَا أُخْلَى مِنَ الْفِكْرِ لِقَلَّةِ مُعَامَلَاتِ النَّاسِ بِاللَّيْلِ وَ قَلَّةِ الْأَخْذِ وَ الْإِغْطَاءِ فَإِلْتِسَانُ فِيهَا أَقْبَلُ عَلَى صَلَاتِهِ مِنْهُ فِي فِي غَيْرِهَا مِنَ الصَّلَاةِ»

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
عوامل عارضی ماورائی: افعال شیطان: خواطر شیطان، مصادیق: امر به گناه، وعده‌های باطل، آرزوافکنی، تزئین عمل غیرمعنوی، مخاصمه‌شناختی، بازداری در بستر تأخیر عمل معنوی، فریب‌کاری در بستر کوچک‌انگاری عمل معنوی، ولی بودن در بستر عدم ایمان، جذب شدن در بستر عدم ایمان، وسوسه اعتقادی، برانگیختن به فعل غیرمعنوی، افعال خداوند: قرین کردن شیطان توسط خداوند، بازداری خداوند از انجام عمل معنوی، اضلال کفار توسط خداوند، سلب توفیق الهی	ماهیت انسان	عوامل درون‌فردی بنیادین
روح قوت در انسان، روح شهوت در انسان، وجود نفس اماره و هوای نفس، خلقت ضعیف انسان در برابر شهوت، حریم خلق شدن انسان، ادبار طبیعی قلوب		
طینت غیرمعنوی، اعطای قوه خاص گناه به اهل معصیت، عدم طهارت مولد (شراکت شیطان)	سرشت غیرمعنوی	
صفات اخلاقی: استکبار، عجب، حرص، حسد، عدم خودشفقتی معنوی (ظلم به نفس)، خصلت کسالت، قلت حیا، تعصب بر روش گذشتگان، لجاجت، عدم سخت‌رویی، بی‌صبری و عدم کرامت نفس	صفات و ملکات	
صفات شخصیتی - روان‌شناختی: ضعف عقل، موت قلب، قفل قلب، قساوت قلب، طبع قلب، رین قلب، مرض قلب، پوشش قلب، کوری و کوری قلب، ضیق صدر برای ایمان، منکوس بودن قلب، مخلوط بودن قلب و غلظت قل		
جهل / غفلت نسبت به دنیا و متاع آن: باقی‌انگاری دنیا، وفادارانگاری دنیا، غفلت از آمیختگی خیر و شر دنیا، غفلت از باطن مخرب دنیا، عظیم انگاشتن دنیا، جدی و اصیل انگاشتن زندگی دنیا (غیراعتباری و غیرمقدمی انگاری دنیا نسبت به آخرت)، دل‌مشغولی به دنیا، جهل از کم بودن (مقدار و زمان) نعمت‌های دنیا نسبت به آخرت، غفلت از وجود نعمت‌های معنوی علاوه بر نعمت‌های مادی، جهل از فراوانی نعمت‌های الهی	عوامل شناختی	عوامل درون‌فردی میانجی
جهل / غفلت نسبت به مرگ و آخرت: فراموشی مرگ، عدم یقین به مرگ و حساب، غفلت از نعمت‌های اخروی، غفلت از ثواب و عقاب اخروی، دورانگاری مرگ، غفلت از آمادگی برای آخرت		
جهل نسبت به خود: خودغنی‌پنداری در برابر خدا، غفلت از عبد بودن خود، خودبی‌ارزش‌پنداری، خودبیرترانگاری، خودخاص‌انگاری نژد خداوند، خودهدایت‌یافته‌انگاری، ضعیف و شکست‌خورده‌انگاری خود، غفلت از حالت غیرمعنوی خود		
جهل نسبت به عمل: زیاد شماری اعمال معنوی گذشته، کوچک‌انگاری عمل غیرمعنوی، زیباانگاری عمل غیرمعنوی، غفلت از عمل معنوی، تردید در انجام عمل معنوی		
جهل نسبت به گزاره‌های معنوی: کوچک‌انگاری حقایق معنوی، حق‌انگاری قول باطل، اختلاط حق و باطل، تحیر در حقایق دینی (ریب)، نسیان گزاره‌های معنوی، خرافه‌انگاری دعوت انبیا، بازیچه‌انگاری دین		
جهل نسبت به جایگاه معنوی دیگران: غنی و بی‌نیازانگاری دنیاداران، ظاهرنگری و معنوی‌انگاری دیگران، سقیه و میجنون‌انگاری انسان‌های معنوی، دروغ‌گو و ساحرانگاری انسان‌های معنوی، دارای فضیلت ندانستن اولیای خدا (مثل انگاری)		
جهل نسبت به خدا و صفات او: عدم یقین به خدا، فراموشی خدا، جهل از عظمت و قدرت الهی، دورانگاری خداوند، عدم توجه به نصرت و معیت الهی، غایب‌انگاری خداوند، بی‌ارزش‌انگاری خداوند، جهل به منبعیت خدا، جهل به رحیمیت الهی، کندشماری خداوند در رزق و روزی، خداوند را شایسته امید ندانستن، نسیه دانستن خوف از خدا (در برابر خوف نقد از بندگان)		
هیجانان یا حالات ضد معنوی: عدم سکینه، غضب کنترل‌نشده، شادی کنترل‌نشده، احساس قدرت افراطی، غم	عوامل هیجانی	
تعارض انگیزشی - هیجانی: تضاد دنیادوستی و آخرت‌طلبی، کشمکش درونی قوای معنوی و غیرمعنوی		
هیجانان نسبت به دنیا و متاع آن: رغبت به دنیا، عشق و علاقه به یک شیء، شادی افراطی نسبت		

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
به داشته‌های دنیایی، حزن افراطی از نداشته‌ها، حب نسا- حب بقا در دنیا، حب ریاست، حب راحتی، حب خواب، حب گفتار، حب برتری، عزت‌طلبی، حب مال، حب طعام، قناعت به دنیا در برابر آخرت، اعتماد و اطمینان به دنیا		
هیجانان نسبت به خدا: عدم رضایت از خدا، ایمنی از عقوبت خدا، ضعف در محبت الهی، عدم امید به خدا، اشمناز از یاد خدا، عدم خشوع قلب در برابر خدا		
هیجانان نسبت به عمل: بی‌بهره بودن از لذت عمل معنوی، کراهت از عمل معنوی، محبوبیت عمل غیرمعنوی، نشاط بیش از حد نسبت به عبادت		
هیجانان نسبت به دیگران: حزن به خاطر داشته‌های دیگران، بغض و کینه از هدایتگران معنوی، عدم حب و بغض توحیدی نسبت به دیگران، ترس از دیگران، مؤدت اجتماعی (میل به بکپارچگی با جامعه)		
هیجانان نسبت به آخرت: عدم خوف از آخرت، افراط در امید به آخرت		
افعال فردی شناختی: سرسپردگی فکری، عدم عمق علمی، عدم تعلم از عالم ربانی، عدم تعقل، تشکیک در واقعیت‌های معنوی، انکار واقعیت‌های معنوی، طول‌الامل	عوامل افعالی مقدماتی	
افعال فردی غیرشناختی: پرخوری، کثرت ضحک، دیدن و شنیدن، استماع لهو، صیادی، عدم عمل به اخلاقیات عام انسانی، تحمیل در عبادت، به تأخیر انداختن عمل معنوی		
افعال میان‌فردی: تفاخر، مزاح افراطی، براء، پرحرفی، دشنام، معاشرت با پادشاهان، معاشرت با جنس مخالف، معاشرت با ثروتمندان نازپروده، عدم مصاحبت با افراد معنوی، مصاحبت با افراد غیرمعنوی، مشغولیت به کارهای روزمره		



در نهایت برای اطمینان از یافته‌ها، با توجه به دو شاخص CVI و CVR، از کارشناسان خواسته شد که نسبت به مطابقت و ضرورت یافته‌ها نظر دهند. بر این اساس، از میان ۳۲ مفهوم به‌دست‌آمده، تنها ۴ مفهوم بدین شرح حذف شد: خلقت ضعیف انسان در برابر شهوت (CVR=۰/۵۵)، اعطای قوه خاص گناه به اهل معصیت (CVR=۰/۵۵)، جهل / غفلت نسبت به جایگاه معنوی دیگران (CVR=۰/۵۵ و CVI=۰/۶۶) و هیجانان نسبت به آخرت (CVR=۰/۵۵). باقی مفاهیم و کل مقولات و ابعاد بدون تغییر باقی ماندند.

بحث و نتیجه‌گیری

محصول نهایی این پژوهش، کشف سه دسته از عوامل تأثیرگذار در کاهش انگیزش معنوی است: «عوامل برون‌فردی»، «عوامل درون‌فردی بنیادین» و «عوامل درون‌فردی میانجی». دو دسته اول از عوامل به تنهایی یا به‌ضمیمه یکدیگر، موجب ایجاد عوامل درون‌فردی میانجی گشته، که در برخی شرایط کاهش انگیزش معنوی را در فرد رقم می‌زنند.

عوامل ماهوی ذیل عوامل برون‌فردی، با برخی یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو است (مصباح یزدی، ۱۴۰۱؛ نارویی نصرتی و عبدی، ۱۴۰۱). می‌توان عوامل ماهوی را بر اساس نظریه‌های انتظار - ارزش، مبنی بر

اینکه مردم رفتار را بر اساس لذت بیشتر یا رنج کمتر انتخاب می‌کنند، تبیین نمود (فرانکن، ۱۳۸۹). یکی از مفاهیم ذیل مقوله «تحمیل عمل معنوی توسط دیگران» است. بر اساس منابع اسلامی، اصل در امور عبادی، رفق و مدارا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۸)^۱ و عدم اکراه است^۲ (بقره: ۲۵۶). این یافته علاوه بر پژوهش‌های اسلامی (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۰۴؛ فدایی، ۱۴۰۱) با برخی مفاهیم روان‌شناختی نظیر «استقلال» در رفتارهای دینی (آپورت، به نقل از: وولف، ۱۳۸۶، ص ۷۸۶ - ۷۸۹) و دین‌داری همراه با «استقلال» (ساروگلو، ۲۰۱۰) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان به نظریه لاک و لاتام (۱۹۹۳) به نقل از فرانکن، (۱۳۸۹) اشاره کرد که طبق آن، با آنکه انتخاب هدف موجب انگیزه می‌شود، ولی تعهد نسبت به آن در صورتی است که به افراد اجازه داده شود خودشان اهدافشان را انتخاب کنند.

دو مفهوم دیگر در تقابل با یکدیگرند؛ یکی «آسایش و دارایی» و دیگری «فقر و نداری». در تبیین آسایش و تأثیر آن بر کاهش انگیزش معنوی، هاشمی خوئی (۱۴۰۰) مال را مسبب‌الاسباب برای فراهم آمدن همه شهوات می‌داند، اما همان‌طور که بیان شد، طرف متعارض مفهوم آسایش، فقر است که گاهی موجب وهن در عمل معنوی شود (سید رضی، ۱۴۱۴).^۳ از نظر مازلو نیز نیازهای معنوی جزء نیازهای خودشکوفایی هستند که در اغلب افراد تا وقتی که نیازهای پایین ارضا نشوند، این نیازها بر وجود فرد حکم‌فرما نمی‌شوند (شولتز و شولتز، ۱۴۰۱). در تبیین تفاوت این دو پدیده ظاهراً متعارض، می‌توان اشاره به کلام جیمز (۲۰۰۲) نمود که یکی از عوامل مؤثر بر دین‌داری را زاویه دید نسبت به مشکلات زندگی می‌داند (آذربایجانی، ۱۳۹۰). پسندیده (۱۳۹۲) نیز قائل است که بلاای زندگی با نگاهی دیگر می‌تواند معانی سازنده‌ای داشته باشند.

مفهوم دیگری که ذیل این مقوله قرار دارد، «رفاه منحرفین در برابر مشکلات مؤمنین» است. در همین راستا می‌توان به نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۴ اشاره نمود. از نظر او بیشتر رفتارهای انسان، حاصل پردازش اطلاعات محیطی است که چه اعمالی منجر به درد می‌شود و چه اعمالی رضامندی به همراه دارد (فرانکن، ۱۳۸۹). وقتی برخی مؤمنین سختی‌های خود را می‌بینند و آن را با

۱. «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ... فَمَنْ رَفِقَ بِعِبَادِهِ تَسْلِيَهُ أَصْعَانَهُمْ وَ مُصَادَّتَهُمْ لِهَوَاهُمْ وَ قُلُوبِهِمْ»

۲. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»

۳. «وَإِنْ افْتَقَرَ قَيْظٌ وَ وَهَنٌ»

رضامندی منحرفین مقایسه می‌کنند، به رفتار آنها تمایل پیدا می‌کنند.

برخی پژوهش‌های پیشین با «ماهیت انسان» ذیل عوامل درون‌فردی بنیادین همسویی مناسبی دارند (طوسی، ۱۴۱۳، ص ۲۴؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۳؛ تبیک، ۱۳۹۸؛ کاویانی، ۱۳۹۲). از میان یافته‌های روان‌شناسی نیز می‌توان به مفهوم غرائز حیوانی و جنبه زیستی انسان در دیدگاه دکارت^۱ و فروید^۲ اشاره کرد (فرانکن، ۱۳۸۹). این ویژگی‌ها در انسان در کنار اهداف الهی و فطرت خداجو (روم: ۳۰) تراحم انگیزشی در فرد ایجاد می‌نماید. کلام خراسانی (۱۴۱۷، ج ۱، ص ۶۸) همسو با «سرشت غیر معنوی» است. او برای توجیه عقاب افراد عاصی، آن را تابع کفر و عصیان فرد و آن را در نهایت ناشی از شقاوت ذاتی افراد عاصی می‌داند. طوسی (۱۴۱۳، ص ۵۴) و نراقی (۱۳۷۹، ص ۵۵) نیز به مفاهیمی نظیر اختلاف طبایع و مزاج اولیه اشاره نموده‌اند. برخی آثار روان‌شناختی نیز به اختلاف تاریخی در مورد تأثیر مزاج‌های جسمی بر نوع دین‌داری (وولف، ۱۳۸۶) و تأثیر تفاوت‌های بنیادی مزاجی افراد در دین‌داری (آذربایجانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰ - ۱۲۴) اشاره می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان به شباهت آن با مفهوم «خلق و خوی اولیه» در آثار روان‌شناختی اشاره کرد. یانگ (۱۳۹۷) بیان می‌کند که هر کودکی از زمان تولد، خلق و خوی^۳ منحصر به فردی دارد که در شخصیت او در آینده اثرگذار است (یانگ، ۱۳۹۷). می‌توان با الهام از پژوهش‌های فوق، بر اساس مستندات مطرح‌شده درباره مفهوم «سرشت غیر معنوی» قائل به وجود یک «خلق و خوی اولیه معنوی» برای هر فرد شد که می‌تواند در انگیزش معنوی او تأثیرگذار باشد.

از میان صفات اخلاقی بیان شده در این پژوهش، استکبار بالاترین مستندات را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، یکی از ریشه‌های عدم اطاعت خداوند (صاد: ۷۳ - ۷۴؛ سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۱) و دوری از خدا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۳)،^۴ استکبار است. حسن‌وندی و همکاران (۱۴۰۲)، اختلال شخصیت خودشیفته^۷ را اعم از مفاهیم مرتبط با تکبر در متون دینی

1. Descartes, R.
3. Temperament

2. Freud, S.

۴. «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ»

۵. «وَالْحِرْصُ وَالْكِبْرُ وَالْحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الذُّنُوبِ»

۶. «أَبْعَدَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ الْمُتَكَبِّرُونَ»

7. Narcissistic Personality Disorder (NPD)

می‌دانند. استکبار از دو جهت می‌تواند با رفتار معنوی در تنافی باشد: اولاً مانعی برای تصدیق حقایق معنوی است و اساساً تصدیق قلبی ملازم با عدم تکبر است (نمل: ۱۴،^۱ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۷۹^۲)؛ و ثانیاً با فرض تأیید پژوهش حسن وندی و همکاران (۱۴۰۲)، این صفت همراه با خودپنداره‌ای کاذب و بزرگ منشاهاست (هالجین و ویتبورن، ۱۴۰۰، ص ۶۰۲)، که طبیعتاً افراد دارای چنین صفتی در تعیین جهت‌های رفتاری به جای خداوند، ستایش دیگران (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶) یا ترس از دیگران (نساء: ۷۷) را محور عمل قرار داده و خودعبودنداری متواضعانه (علق: ۷)^۴ را دارا نیستند.

یکی از کلان مفاهیم ذیل مقوله «صفات و ملکات»، صفات روان‌شناختی - شخصیتی است. این دسته از مفاهیم، ناظر به سازه‌های روان‌شناختی - شخصیتی (خودالهی، عقل، قلب و صدر) انسان بر اساس برخی پژوهش‌ها مانند جان‌بزرگی (۱۳۹۸) و حکیمی (۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۱) است. می‌توان این یافته‌ها را با یافته‌های پژوهش جان‌بزرگی (۱۳۹۸) تبیین نمود که وقتی قلب دچار مرض می‌شود، درحقیقت از تصدیق و گرایش به امور معنوی باز می‌ماند. زمانی که صدر دچار ضیق می‌گردد، گشودگی لازم در برابر حقایق معنوی را نخواهد داشت. وقتی که عقل دچار ضعف می‌گردد، درحقیقت «خودمعنوی» فرد دچار اختلال شده و فرد را در شناخت و مهارگری دچار مشکل می‌نماید و این اختلال او را از تعادل و تعالی معنوی باز می‌دارد.

بر اساس این پژوهش، عوامل برون‌فردی و درون‌فردی موجب شکل‌گیری «عوامل درون‌فردی میانجی» می‌شوند که خود شامل «عوامل شناختی»، «عوامل هیجانی» و «عوامل افعالی مقدماتی» است.

بر اساس منابع اسلامی، شناخت‌ها و توجه ذهنی به واقعیت‌های معنوی، نقش بسیاری در انگیزش معنوی دارد. برخی مستندات اصل دستیابی به هیجان‌ات معنوی نسبت به خداوند را نیز مبتنی بر علم می‌دانند (فاطر: ۲۸).^۵ البته میان این قسم از مفاهیم و مفهوم ایمان در ذیل عوامل افعالی

۱. «وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَبَقَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا»
۲. «ذَلَّلَ قَلْبِي بِتَضَدِّيهِ»

3. Halgin, R.P. & Whitbourne, S.K.

۴. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ * إِنَّ رَأْيَهُ اسْتَغْنَى»

۵. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»

مقدماتی، ارتباط وثیقی وجود دارد. در حقیقت، ایمان، فعلی قلبی است که فرد نسبت به علم‌های خود انجام می‌دهد و آنها را تصدیق می‌نماید (ر.ک: طباطبایی، ج ۱۸، ص ۳۲۸)؛ لذا فدایی (۱۴۰۱) شک و تردید را از عوامل بازدارنده معنوی می‌داند. ساروگلو (۲۰۱۱) با بیان چهار بُعد برای دین‌داری فردی (اعتقاد (ایمان)،^۱ پیوند،^۲ رفتار^۳ و تعلق^۴)، برای ایمان نقش محوری قائل است، که بر اساس آن یک دین‌دار، گزاره‌هایی را درباره جهان روحانی می‌پذیرد.

بر اساس منابع اسلامی، جهل و غفلت نسبت به خود نیز تأثیر منفی بر انگیزش معنوی افراد می‌گذارد. از نظر جان‌بزرگی (۱۳۹۸، ص ۳۶۱) در صورت حصول هویت معنوی انسجام لازم حاصل شده و فرد قدرت خود - راهبری^۵ بیشتری خواهد داشت. همچنین برای تبیین این پدیده، می‌توان به پژوهش‌های مبتنی بر نیاز معنوی مانند کونینگ و ویور^۶ (۱۹۹۷) اشاره کرد، که اساساً یکی از نیازهای انسان ارتباط با امری متعالی است. از آنجاکه نیازها یکی از اصلی‌ترین منابع هیجان است (ریو، ۱۳۸۹)، طبیعی است که با فرض شناخت فرد نسبت به خود، این نیاز بنیادین در او کشف و منجر به انگیزش معنوی گردد. شاید بتوان این یافته را همسو با کلام آدلر (۱۹۳۰) در مورد نقش احساس کلی حقارت در آرمان‌خواهی و خداجویی (شولتز و شولتز، ۱۴۰۱) و کلام جیمز (۲۰۰۲) در مورد نقش احساس نقص و میل به رفع آن با یک قدرت برتر (آذربایجانی، ۱۳۹۰) دانست.

در باب نقش هیجانان، انصاری (۱۴۱۷) با اشاره به حالات معنوی سالک و تأثیر آن بر انبعاث او به سمت عمل معنوی، انواع هیجانان معنوی را مورد اشاره قرار می‌دهد. با توجه به کلام روان‌شناسان تبیین بسیاری از یافته‌های مربوط «عوامل هیجانی» در این پژوهش، دشوار نیست؛ اساساً یکی از منابع انگیزش رفتار در روان‌شناسی را هیجان شمرده‌اند (ریو، ۱۳۸۹، پیترسن، ۲۰۰۶، ص ۷۳، به نقل از: هفرن و بونیول، ۱۳۹۹). از دیدگاه فلاسفه نیز، هر فعل اختیاری متوقف بر معرفت، میل و اراده است؛ به این معنا که تصور فعل و سپس تصدیق به فایده آن، شوق به انجام فعل را برمی‌انگیزاند (ملاصدرا، ۱۴۱۲).

یکی از مهم‌ترین هیجانان، هیجان نسبت به خداوند است. در باب ضعف در محبت الهی و

1. Believing

2. Bonding

3. Behaving

4. Belonging

5. Self-directed

6. Koenig, H. G. & Weaver, A. J.

7. Peterson, E.

ترس بیش از حد از خداوند، می‌توان این یافته‌ها را همسو با پژوهش روات و کرک پاتریک (۱۹۹۹) دانست، که ترس بیش از حد از خدا به جای دوستی با او، موجب پرهیز از ارتباط با او می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۲۴۹). در میان آثار اخلاقی نیز انصاری (۱۴۱۷) رجا را مایه تنظیم خوف و برانگیزاننده فرد بر عمل معنوی می‌داند. راغب اصفهانی (۱۳۷۳) نیز ذیل عنوان طاعت محبت (در مقابل طاعت رَهَبَت) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۳ - ۳۶۴) بدین مطلب اشاره کرده است.

حب دنیا، از اساسی‌ترین ریشه‌های خطای معنوی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۴۰) است. شوارتز و هویزمنز^۱ (۱۹۹۵) نیز ارزش‌هایی در زندگی که به ارضای خواسته‌های مادی^۲ اهمیت می‌دهند را با شدیداً مذهبی بودن در تضاد می‌دانند (شوارتز و هویزمنز، ۱۹۹۵، به نقل از: روکاس و الستر، ۲۰۱۴). حب دنیا موجب هم و غمی تمام‌نشدنی و ایجاد آرزویی دست‌نیافتنی که موجب مشغولیت‌های ذهنی شده و فرد از امور معنوی باز می‌ماند (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۸۸).^۴

عوامل افعالی مقدماتی شامل مفاهیمی از قبیل «افعال فردی شناختی»، «افعال فردی غیرشناختی» و «افعال میان‌فردی» است. پژوهش تیبک (۱۴۰۰) نیز به تبیین مفهوم طول‌الأمیل می‌پردازد. این پژوهشگر از این پدیده به‌عنوان ناهمخوانی هدف - توان یاد می‌کند. در رابطه با افعال فردی غیرشناختی می‌توان به کلام محمدی ری‌شهری (۱۳۸۹، ج ۸) در باب پرخوری اشاره کرد، که هرچند نیازهای زیستی برای حفظ حیات انسان ضرورت دارد؛ اما آزاد گذاشتن آن به‌گونه‌ای که جلوی رشد معنوی او را بگیرد، مطلوب نیست. بر همین اساس، شجاعی (۱۳۸۸) نیز با اشاره به مفهوم عفت، بر همین یافته صحنه می‌گذارد. یکی دیگر از افعال فردی غیرشناختی، به تأخیر انداختن رفتار معنوی است که بر اساس پژوهش تیبک (۱۴۰۰) با سه شرط، ممدوح است (تیبک، ۱۴۰۰). در رابطه با افعال میان‌فردی می‌توان به پژوهش کاپلن و همکاران (۲۰۲۳) اشاره کرد. آنها در باب تأثیر حضور در جمع‌های مذهبی بیان می‌کنند که اعمال جمعی،^۵ اجازه می‌دهد تا تجربه احساسات مثبت یک فرد به دیگران سرایت کند (نیومن و استرک، ۲۰۰۰)^۶ و توسط گروه تقویت شود (دورکیم، ۱۹۱۲؛ پانز و همکاران، ۲۰۱۵، به نقل از: ون کاپلن و همکاران، ۲۰۲۳).

1. Schwartz, S. H. & Huismans, S.

2. Material Desires

3. Roccas, S. & Elster, A.

۴. «مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِالْ دُنْيَا تَعَلَّقَ مِنْهَا بِثَلَاثِ خِصَالٍ هَمٌّ لَا يُغْنِي وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يُنَالُ»

5. Collective Practices

6. Neumann, R. & Strack, F.

در این پژوهش، اگرچه عوامل کاهش انگیزش معنوی بر اساس منابع اسلامی مورد بررسی قرار گرفت؛ اما محدودیت‌های پژوهش از قبیل عدم بررسی صحت سندی روایات، جای بررسی مجدد یافته‌ها را باقی می‌گذارد. علاوه بر این در این پژوهش، می‌توان به ارتباط بیشتری بین خود عوامل کاهش انگیزش معنوی، دست یافت. بر این اساس پیشنهاد می‌شود با بررسی دقیق‌تر مستندات دینی، ارتباط عمیق‌تر و بیشتری بین خود این عوامل بر اساس منابع اسلامی مورد اکتشاف قرار گیرد؛ چراکه کشف این عوامل می‌تواند مؤثر در پیشبرد اهداف معنوی در امور تربیتی و اجتماعی واقع شود.

منابع

قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۱۷). کفایة الأصول. قم: مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- آذربایجان، مسعود (۱۳۹۰). روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۸). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲). النخصال. قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۲ الف). صفات الشیعه. تهران: علمی.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمة. تهران: اسلامیه.
- استراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- اسدی، مرتضی (۱۳۸۰). نیت در قلمرو فقه، اصول، کلام و اخلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مرکز تربیت مدرس دانشگاه قم.
- امام زین العابدین، علی بن الحسین (۱۳۷۶). الصحیفة السجادية. قم: دفتر نشر الهادی.
- انصاری، عبدالله بن محمد (۱۴۱۷). منازل السائرین. قم: مؤسسه دار العلم.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۲). الگوی اسلامی شادکامی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۸). روش فهم روان‌شناختی متون دینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- تبیك، محمدتقی (۱۳۹۶). تبیین سازه انگیزش بر اساس منابع اسلامی. پژوهش‌نامه روان‌شناسی



- اسلامی، (۳)۷، ۳ - ۲۷.
- تبییک، محمدتقی (۱۳۹۸). تبیین مدل عملکردی انگیزش بر اساس منابع اسلامی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۲۴(۱۳)، ۶۳ - ۹۳.
- تبییک، محمدتقی (۱۳۹۹). تبیین مدل تحولی انگیزش بر اساس فرهنگ اسلامی. روان‌شناسی فرهنگی، ۱(۴)، ۵۷ - ۸۰.
- تبییک، محمدتقی (۱۳۹۸). تدوین الگوی کشمکش‌های روانی - معنوی در جامعه ایران: روش آمیخته. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
- تبییک، محمدتقی (۱۴۰۰). بازسازی دینی: نگاهی روان‌شناختی به توبه. مشهد: پژوهشگاه قرآن و حدیث، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- تبییک، محمدتقی و دیگران (۱۴۰۱). مدل مفهومی کشمکش‌های روانی - معنوی در ایران: مطالعه کیفی. روان‌شناسی فرهنگی، ۱(۶)، ۱ - ۲۳.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۵). روان‌درمانگری چندبعدی معنوی: فعال‌سازی عمل معنوی و اثربخشی آن بر مشکلات روان‌شناختی مراجعان مضطرب. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۳(۲)، ۸ - ۳۹.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۸). درمان چندبعدی معنوی؛ یک رویکرد خداسو برای مشاوره و روان‌درمانگری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسن‌وندی، محسن و دیگران (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی مؤلفه خودبزرگ‌بینی در اختلال شخصیت خودشیفته از نگاه روان‌شناسی و آموزه‌های اسلامی. قرآن و طب، ۳(۸)، ۵۹ - ۶۸.
- حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۰). الحیاة. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۵). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. تهران: نگاه دانش.
- دانائی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت، ۲(۱)، ۶۹ - ۹۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۳). الذریعة الی مکارم الشریعة. قم: نشر الشریف الرضی.
- خطیب، مهدی (۱۴۰۰). طراحی و امکان‌سنجی الگوی مقابله دینی با تنیدگی بر اساس قرآن کریم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ریو، جان مارشال (۱۳۸۹). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ویرایش.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸). درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی. قم:

مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه. قم: هجرت.

شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی الن (۱۴۰۱). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی.
تهران: نشر ویرایش.

شیرازی، صدرالدین محمد (ملاصدرا) (۱۴۱۲). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه.
بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۸). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام
خمینی علیه السلام.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم.

طراد، مجید (۲۰۱۰م). المعجم المفصل فی المتضادات فی اللغة العربیة. بیروت: دار الکتب
العلمیه.

طوسی، محمد بن محمد (۱۴۱۳). اخلاق ناصری. تهران: علمیه اسلامیة.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷). تهذیب الأحکام. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

فدایی، احسان و دیگران (۱۴۰۱). الگوی مفهومی انگیزش قرآن بنیان (تحلیل محتوای کیفی).
مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۳۰(۱۶)، ۵۳ - ۷۰.

فرانکن، رابرت ای. (۱۳۸۹). انگیزش و هیجان. ترجمه حسن شمس اسفندآباد و دیگران. تهران:
نشر نی.

کاوایانی، محمد (۱۳۹۲). رویکردی جامع به مباحث انگیزش از دیدگاه قرآن. مطالعات اسلام و
روان‌شناسی، ۷(۱۳)، ۶۷ - ۹۳.

کاوایانی، محمد و کریمی، محمدرضا (۱۳۹۰). منابع انگیزش اخلاقی با رویکرد تطبیقی بین
دیدگاه علامه طباطبایی و مازلو. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۹(۵)، ۷۹ - ۱۰۴.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹). میزان الحکمة. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: مؤسسه علمی
فرهنگی دار الحدیث.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.



- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- مظاهری، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۰). مثلث ایمان. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- نارویی نصرتی، رحیم و عبدی، حسن (۱۴۰۱). علم النفس از دیدگاه اندیشمندان مسلمان. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر (۱۳۷۹). جامع السعادات. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- نلسون، جیمز ام. (۱۳۹۵). روان‌شناسی، دین و معنویت. ترجمه مسعود آذربایجانی و امیر قربانی. قم: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- وست، ویلیام. (۱۳۸۳). روان‌درمانی و معنویت. ترجمه شهریار شهیدی و سلطانه‌علی شیرافکن. تهران: رشد.
- وولف، دیوید ام. (۱۳۸۶). روان‌شناسی دین. ترجمه محمد دهقانی. تهران: رشد.
- هالچین، ریچارد پی. و ویتبورن، سوزان کراس (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی روانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: روان.
- هفرن، کیت و بونیول، ایلونا (۱۳۹۳). روان‌شناسی مثبت‌نگر. ترجمه محمدتقی تیبک و محسن زندی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- یانگ، جفری و دیگران (۱۳۹۹). طرح‌واره درمانی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: کتاب ارجمند.
- Cappellen, P. V. & Zhang, R., Fredrickson, B. L. (2023). The Scientific Study of Positive Emotions and Religion/Spirituality .In E. B. Davis & E. L. Worthington Jr & S. A. Schnitker (Eds), *Handbook of Positive Psychology, Religion, and Spirituality* (p. 315-328). Switzerland: Springer.
- Koenig, H. G. & Pritchett, J. (1998). Religion And Psychotherapy. In H. G. Koenig (Ed), *Handbook of Religion and mental health* (p. 323-336). California: Academic Press.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel Psychology*, 28(4), 563–575.
- Mancuso, E. K. & Lorona, R. T. (2023). The Scientific Study of Life Satisfaction and

Religion/Spirituality .In E. B. Davis & E. L. Worthington Jr & S. A. Schnitker (Eds), *Handbook of Positive Psychology, Religion, and Spirituality* (p. 299-314). Switzerland: Springer.

Reeve, J. (2005). *Understanding Motivation And Emotion*. Wiley (USA).

Roccas, S. & Elster, A. (2014). Values and Religiosity. In V. Saroglou (Ed), *Religion, Personality, and Social Behavior* (p. 193-212). New York: Psychology Press.

Shafranske, E. P. (2023). The Scientific Study of Positive Psychology, Religion/Spirituality, and Mental Health .In E. B. Davis & E. L. Worthington Jr & S. A. Schnitker (Eds), *Handbook of Positive Psychology, Religion, and Spirituality* (p. 345-358). Switzerland: Springer.

Thorson, J. A. (1998). Religion And Anxiety: Which Anxiety? Which Religion?. In H. G. Koenig (Ed), *Handbook of Religion and mental health* (p. 323-336). California: Academic Press.

